از : مدرسی طباطبائی

آستانه شاهزاده حسین در قزوین

(تاریخ ، مجموعهٔ بنا و اسناد)

۳ـ اسناد

شهر قزوین آن طور که از قرائن و شواهد متعدد و نقل مطلعان محلی استنباط می‌شود همانند معدودی دیگر از بلاد قدیم ایران ازمناطقی است که بسیاری از اسناد مکتوب قدیم مربوط بدان از تصاریف زمان مصون مانده و اکنون شماری قابل توجه ازاین‌گونه مآخذ اصیل تاریخی به‌تفاریق در خاندان‌های قدیم شهر و در دست افراد باقی مانده که همت به‌گرد آوردن و حفظ آنها ـ دست کم از راه عکس‌برداری و نشر متون و تصاویر ـ خدمتی ارجمند به‌تاریخ آن‌منطقه است.

در کتاب «مینو در یاباب‌الجنهٔ قزوین» چند سندی از این‌جمله در تضاعیف کلام به‌مناسبات ذکر شده و یا متن آن نقل گردیده است. از آن جمله طومار موقوفات مسجد جامع است که متن آن در ذیل سخن ازهمین مسجد درکتاب مزبور نقل شده است [۱۱۶]. آن طور که از این سند به‌روشنی پیداست [۱۱۷] مسجد جامع قزوین‌اسناد و احکام بسیار زیادی دارد که چون خاندان متولی آن به‌نحومستمر چندصدسالی عهده‌دار مهم تصدی و تولیت بوده وذیل خاندان تابه روزگار ما نیز رسیده است بنابراین بدون تردید مجموعهٔ بسیار مهمی از این اسناد در این‌خاندان باقی است [۱۱۸] وبرذمهٔ علاقمندان

۱۱٦ـ مینودر : ۵۱۵ ـ ۵۲۰ .

۱۱۷ـ منصب موروثی موقوفات‌ازعوامل مهم «سندسازی» درمناطق بوده‌اند.

۱۱۸ـ مواردی از توجه پادشاهان و امرا درکتاب‌های تاریخ ثبت‌شده‌است.

به‌تاریخ و گذشتهٔ قزوین فرض است که با استقصاء فروع خاندان تولیت به‌این مجموعهٔ گرانقدر دست یابند ، چه تجارب مکرر این نکته را اثبات نموده است‌که‌اسناد قدیم معمولا با انقراض خاندان‌ها از میان می‌رفته و گرنه به‌خصوص در مواردی که‌موضوع اسناد یا منصب خاندانی باقی بود این‌گونه اسناد تا حدود زیادی محفوظ می‌ماند و حتی در خاندان‌هایی که از اسناد مربوط به‌خودآگاهی نداشته و تصور می‌کرده‌اند که آنها به‌طور کامل دستخوش خیانت و تلف شده است[۱۱۹] سرانجام نخبهٔ اسناد در یکی ازفروع خاندان یافت شده که البته قبل‌از هرچیز نیاز به‌علاقه و شوق جوینده و پشتکار وخستگی ناپذیری وی دارد .

در همان کتاب متن رونوشت طومار تقسیم نامهٔ آب باغ‌های قزوین هست[۱۲۰] که مربوط به‌نیمهٔ اول قرن هشتم است. وقف‌نامهٔ قنات‌آخوندقزوین‌که متن‌آن‌نیز دراین‌کتاب‌دیده‌می‌شود[۱۲۱] بایددرست باشد نهایت تاریخ آن‌نادرست ودست برده‌است . بازد رآن‌ازطومار وقف‌نامهٔ مسجد پنجه‌علی قزوین[۱۲۲] و وقف نامهٔ مولی ویردی‌خان مورخ ۱۱٤۸[۱۲۳] و اسنادی دیگر یاد می‌شود .

مجموعه‌ای که از اسناد آستانهٔ شاهزاده حسین در اختیار ما

۱۱۹ـ درخاندان‌هایی‌که اسنادی قدیم داشته‌اند معمولا فروعی‌که این‌اسناد را در دست ندارند علی‌الرسم نقل می‌کنند که‌چند ده سال پیش‌تر اسناد آنان در واقعه‌ای مانند سیل یاآتش‌سوزی ازمیان رفته ویا به‌وسیلهٔ فردی از داخل خاندان یاخارج آن برای دست اندازی برمنصب یاموقوفه ربوده یاسوخته شده است. دراین قبیل موارد همواره اسناد منظور درفروع دیگر خاندان به‌دست آمده است .

۱۲۰ـ مینودر : ۸۳۷ـ۸۵۲

۱۲۱ـ همان مأخذ : ۲٦۱ـ۲٦۲ .

۱۲۲ـ ایضاً : ۵۵۳ .

۱۲۳ـ ایضاً : ۵۷۹ .

قرار گرفت مشتمل بر حدود سی‌صد طغرا سند بودکه یك صدو پنجاه طغرای آن در این بخش معرفی و متن آنها نقل خواهد گردید. تعداد پنجاه طغرا از این رقم فرمان یا دستخط شاهانه و۴۹ طغرای دیگراحکام شاهزادگان و وزراء و مثال و خطاب ودستور از صدور و امراء و حکام و ۸طغرانامه (معمولا از وزراء و بزرگان دیوان) و ٦ طغرا وقف‌نامه و ۳۹ طغرا اسناد متفرقه از قبیل حکم شرعی واستشهاد ومزارعه‌نامچه واجاره‌نامچه‌ومصالحه نامچه واسنادمشابه است[۱۲۴]. از این نوع اخیر تعدادی قریب یکصد وپنجاه طغرا در مجموعهٔ مورد سخن بودکه بخشی ازآن‌که درایضاح تاریخ آستانه و توضیح نکاتی مبهم فائدتی مهم داشت به‌خصوص آنچه ازآن متعلق به‌دورهٔ آقامحمدخان قاجار بود[۱۲۵] دراین بحث نقل‌گردید.

٤۷ طغرا ازاین‌اسناد[۱۲۶] مربوط به‌قرن‌های هشتم تادوازدهم و ۱۰۳ طغرای دیگر مربوط به‌دورهٔ قاجار است. اسناد مربوط به‌پیش‌از دورهٔ قاجار ـ گذشته از ارزش خاص خویش و این‌که برخی از آنها نخستین نمونه در نوع خود است ـ به‌خصوص از رهگذرآگاهی برنام موقوفات آستانه درآن ادوار و متولیان آن و خصوصیات دیگر بسیار ارزنده است، همچنان که اسناد دورهٔ قاجاری از نظر اشتمال برنام و سجل بسیاری از علما و دانشمندان شناخته وناشناختهٔ قزوین وحکام وپیشکاران حکومتی آن شهر ـ نیز در بررسی اوضاع اجتماعی و سیاسی دورهٔ مزبور اهمیت‌دارد. اینك پیش‌از نقل متون اسناد، مطالبی که از آنها در موضوع تولیت

۱۲٤ـ جمع این ارقام ۱۵۲ طغراست چه باید درنظر داشت که دوسند از این جمله دو رویه است.

۱۲۵ـ به‌صورت دقیق‌تردر۲۵ سالهٔ ۱۱۹۰ـ۱۲۱۵ که‌دراین‌فترت هیچگونه سندی دربارهٔ آستانه جز همین اسناد دردست نیست.

۱۲٦ـ یعنی اسناد چاپ شده دراین بحث.

آستانه و موقوفات آن وهمچنین دانشمندان و حکمرانان قزوین دانسته می‌شود نیز فوائدی که از رهگذر جغرافیای تاریخی آن شهر و ناحیه با بررسی اسناد مزبور به‌دست می‌اید در اینجا به صورت اجمال و فهرست‌وار با اشاره به‌شمارهٔ هرسند ثبت می‌شود[۱۲۷] :

۱ــ تولیت آستانه :

آستانهٔ شاهزاده‌حسین به‌طبع از همان دورهٔ سلجوقی که مردمان قزوین سنی و شیعی به‌زیارت آن می‌رفته‌اند[۱۲۸] دارای خدمتگزار و نذورات و موقوفات بوده است لیکن قدیم‌ترین ماخذ موجودی که در آن از «متولی آستانه» یاد شده وقف‌نامه‌ای مورخ ۷۷۳ از کیاملك هزاراسپی حکمران ولایت دیلمستان و اشکور است که‌متن آن را پس‌از این خواهیم دید.[۱۲۹]

تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین از دوران دور در دست خاندان سادات‌مرعشی‌قزوین بوده‌است، بااین‌خصیصهٔ استثنائی‌که‌درهرنسل تمامی افراد این خاندان در امر تولیت شریك بوده و از درآمد موقوفات و مستمریات و مقرریات آن بهره‌مند می‌شده‌اند.[۱۳۰] این مطلب طبعاً ناشی از چگونگی وقف موقوفات مزبور بوده که تولیت موقوفه را باخاندان نه‌فردی خاص ازآن وامی‌گذارده است[۱۳۱]

۱۲۷ــ بسیاری ازاین مطالب به‌تفاریق دردیباچهٔ هرسند نیزتذکرداده‌شده است بانکاتی دیگر.

۱۲۸ــ النقض : ٦٤٣ .

۱۲۹ــ سند شمارهٔ ۱ .

۱۳۰ــ اسناد شمارهٔ ۱۰ و۱۸ دیده شود (به‌خصوص سند دوم) .

۱۳۱ــ پس‌ازاین می‌بینیم که‌برخی ازافراد خاندان درعین حال که‌جزء متولیان آستانه قرار داشته‌اند قاضی عسکر یاصدر ولایات نیز بوده‌اند. درواقع معنی تولیت دراین آستانه همواره همان «هدف غائی» درهمهٔ موارد مشابه بوده که برخورداری وسهم بردن ازحق‌التولیهٔ موقوفات ومستمریات باشد.

توجه به‌این نکته برای درك مفاد اسناد آستانه بسیار مهم است زیرا گاه در دو سندکه‌هم زمان تنظیم شده دو یا چند فرد مختلف به‌عنوان متولی یاد شده‌اند که در نظر ابتدائی نوعی تعارض به‌نظر می‌رسد وعنایت به‌آن چه ذکر شد این تعارض بدوی را ازمیان برمی‌دارد.[۱۳۲]

البته به این نکته که تاحدودی شگفت‌آور است باید توجه داشت که با وجود سابقهٔ هزار ساله ، افراد خاندان مرعشی قزوین و بیوت آن همواره محدودومعدود بوده‌ودراین‌یك‌صدسال اخیرتاحال‌تحریر این سطور تنها دو خانه از سادات مزبور در شهر قزوین وجـود داشته و دارد.

آغاز تصدی و تولیت آنان براین مزار درست روشن‌نیست لیکن قدر مسلم مدتی درازپیش ازدورهٔ صفوی بوده و این که دربرخی اسناد متاخر تولیت آنان را از دورهٔ صفوی پنداشته‌اند نادرست است. در فرمانی مورخ ۹۳۷ از شاه‌طهماسب گفته می‌شود که تولیت مزار شاهزاده حسین از «قدیم‌الایام» تا آن زمان با آباء و اجداد متولی آن دوره بوده است .[۱۳۳]

خاندان سادات مرعشی از نوادگان حضرت امام علی‌بن‌الحسین زین‌العابدین ــ امام چهارم شیعیانند که از طریق علی‌المــرعش فرزند عبداله بن‌محمدبن حسن‌الدکه بن‌حسین‌الاصغربدان حضرت می‌پیوندند. «علی‌المرعش» مزبور ــ که سادات یاد شده را به‌اعتبار انتساب بدو «مرعشی» می‌خوانند ــ بنابرآن‌چه ازکتاب «الفخری»[۱۳۴]

۱۳۲ــ تعدد متولیان مزار نخست‌بار درسند شمارهٔ ۲ به‌چشم می‌خورد که درآن از «سادات متولی آستانه» سخن به‌میان آمده است.

۱۳۳ــ سند شمارهٔ ٦ .

۱۳٤ــ تألیف سال ٦۰٦ به‌نام امام فخررازی دانشمند معروف (ذریعه ۲: ۳۷٦ و ١٦ : ۱۲۵) .

ابوطالب اسماعیل بن‌حسین مروزی[۱۳۵] ــ که از معتبرترین و قدیم‌ترین متون موجود علم انساب است ــ برمی‌آید خود درقزوین می‌بوده است چه در ذکر فرزندان حسین اصغر فرزند امام سجاد (ع) می‌نویسد : «واما الحسن الدکه بن‌الحسین الاصغر فانتهی عقبه الصحیح الی‌محمدالسیلق بالری و علی‌المرعش بقزوین ابی‌عبداله بن‌محمد بن‌الحسن الدکه»[۱۳۶] . بنابراین سادات مرعشی در هرجا که باشند در اصل از شهر قزوین ریشه می‌گیرند و تا سالیانی دراز مرکز و مجمع آنان نیز شهر مزبور بوده است[۱۳۷] . آن‌گاه ازاین شهر به سه‌منطقۀ دیگر نیز رفته‌و بدین گونه سادات مراعشه به اعتبار محل‌سکنی به‌چهار تیره تقسیم گردیده‌اند[۱۳۸] .

از سلسلۀ سادات مرعشی قزوین دانشمندان و ادیبان و نام آورانی برخاسته‌اند که نام و سرگذشت گروهی از آنان همراه شرح‌حال مشاهیردیگر تیره‌های این خاندان درمقدمۀ احقاق‌الحق[۱۳۹] هست. در تدوین رافعی هم از بزرگان این خاندان یادشده است. در تورق اجمالی به‌نام و نمونۀ شعر «سیدزاهد ابوالفضل بن‌ناصر

۱۳۵ــ زادۀ ۵۷۲ ودرگذشتۀ ٦۱٤، نگارندۀ خطیرةالقدس که حدود ٦۰ مجلد بوده‌است وبستان‌الشرف در۲۰مجلد وآثاردیگر درعلم‌انساب (معجم‌الادباء و یاقوت حموی۲:۲٦۲/کشف‌الظنون : ۸۲٤/ اعلام زرکلی ۱ : ۳۰۸/ ذریعه ۲: ۳۷٦ و۳: ۱۰٦ و۷: ۲٦ و۱٦: ٦۷، ۱۲۵ و۲۳: ۲۵۲/ عروبةالعلماءالمنتسبین الی‌البلدان‌الاعجمیه : ٤٦۹) .

۱۳٦ــ الفخری ، صفحۀ ۳۹ نسخۀ شمارۀ ۲/۳۳۰ کتابخانۀ مسجداعظم‌قم.

۱۳۷ــ همان ماخذ ، ص ٤۰ دیده شود .

۱۳۸ــ مجالس المؤمنین ۱: ۱٤۷چاپ تهران/الدرجات‌الرفیعه سیدعلی‌خان به‌نقل ریحانةالادب، ج ٤ ، ص۹ چاپ اول/مقدمۀ احقاق‌الحق: ۱۱۷و۱۱۹) .

۱۳۹ــ صفحات ۱۲۰ تا ۱۵۷ (۲٦ تن نیز درطبقات اعلام‌الشیعه ــ قرن ششم نام برده شده‌اند که شاید برخی از همین تیرۀ قزوین باشند) .

مرعشی حسینی قزوینی» درکتاب‌مزبور برخورد شد[۱۴۰] که درمقدمهٔ احقاق ذکری از او نیست.

شریف معین‌الدین فغفور فرزند شمس‌الدین محمد نیای‌اعلی دودمان مرعشی قزوین[۱۴۱] نقابت سادات آن شهر را در نیمهٔ نخستین قرن هشتم عهده‌دار بود[۱۴۲] و با تقریبی‌که دربارهٔ برخی موارد مشابه دیگر گفته شده است[۱۴۳] باتوجه به‌همراه بودن این منصب با مقام تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین در قرن دهم[۱۴۴] دور نیست که سرپرستی امور این مزار شریف نیز به‌حکم ریاست او برعلویان شهر براو مسلم بوده است.[۱۴۵] فرزند او شریف عبدالله امیرالحاج ملقب به «فیل‌امیر» مردی دانشمند و پارسا بوده است.[۱۴۶]

در فرمانی از شاهرخ تیموری مورخ ۵ ذق ــ ۸۳۸ که جزء مجموعه اسنادی بودکه اسناد حاضرازآن گزین شد، منصب احتساب شهرقزوین به‌مرتضی اعظم افتخارالسادات سید معین‌الدین مطهر واگذارگردیده است تا درآن شهر امربه‌معروف ونهی ازمنکرات

۱۴۰ــ التدوین، برگ ۳۳۰ پ نسخهٔ یادشدهٔ پیش .

۱۴۱ــ مقدمهٔ احقاق‌الحق : ۱۲۱ــ۱۲۲ .

۱۴۲ــ تذکرهٔ نسب عبیدلی به‌نقل مقدمهٔ احقاق‌الحق : ۱۲۱ــ۱۲۲ وموارد الاستحاف ۲: ۷۸ .

۱۴۳ــ تربت‌پاکان ۱ :۱۹۶ دربارهٔ تولیت آستانهٔ قم .

۱۴۴ــ سرگذشت میرزین‌العابدین مرعشی نخستین متولی شناخته شدهٔ آستانه دردو صفحهٔ بعد (نیز تذکرهٔ شاه‌طهماسب ، ص ۱۳ چاپ برلین) واسناد آینده ازجمله سند شمارهٔ ۲۸ و ۴۱ دیده شود .

۱۴۵ــ به‌خصوص باتوجه به‌این نکته نیز که متولیان آیندهٔ مزار (ازجمله سید صفی‌الدین شکرالله که‌نسب نامه‌وی‌را خواهیم دیدودیگران نیزکه «عم‌زادهٔ» او بوده‌اند طبعاً در اجداد باوی شریك خواهند بود) نوادگان وی بوده‌اند .

۱۴۶ــ مقدمهٔ احقاق‌الحق : ۱۲۲.

کرده ومنع فسقه وفجره نماید و اجرای حدود و تعزیرات کند[۱۴۷] در آن به‌فرمان پیشین همان پادشاه در همین باب اشاره می‌شود. تردیدی نیست که این سید از همین دودمان مورد سخن است چه جز این موضوع که سند مزبور در دست بازماندگان این خاندان است، تصریح مآخذ قرن دهم و یازدهم[۱۴۸] به این‌که منصب احتساب شهر قزوین و تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین از قدیم در دست خاندان سادات مرعشی آن شهر بوده است موید مدعاست.

در قرن‌های بعد نیز مشاهیر و بزرگانی نامور از خاندان مرعشی قزوین برخاسته‌اند که نام بعضی از آنان در مصادرمربوط هست. این خاندان در دورهٔ صفوی بسیار محترم و مورد توجه بوده‌اند. شاه طهماسب مبلغ‌های کلی زر به‌سادات مرعشی قزوین می‌داد.[۱۴۹] قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین می‌نویسد: «مرعشیهٔ قزوین که از قدیم الایام درآن دیارکه خوار وزار وجود سنیان مردم آزار است از روی تقیه روزگار گذرانیده‌اند ومحنت بسیار ازاغیار جفاکاردیده‌اند وهمواره به‌مذهب حق ائمهٔ اثنی‌عشر عمل نموده‌اند و در این ایام به‌یمن عنایت و حسن حمایت ورعایت امیرشمس‌الدین اسدالله مذکور[۱۵۰] مشمول عواطف بی‌دریغ شاهی

۱۴۷ـ مقالهٔ نگارنده باعنوان «فرمانی ازشاهرخ» درمجلهٔ راهنمای کتاب، شمارهٔ ۸ـ۱۰ سال بیستم.

۱۴۸ـ ازجمله سراج‌الانساب واسدیه ومجالس‌المؤمنین به‌شرحی که‌اندکی بعد در متن خواهیم دید.

۱۴۹ـ خلاصةالتواریخ: برگ B۲۲۹ (سطر ۱) عکس ۵۵۶۷ دانشگاه.

۱۵۰ـ شاه میر مرعشی درگذشتهٔ ۹۶۳. سرگذشت اودر تواریخ صفوی عموماً ازجمله خلاصةالتواریخ: ذیل وقایع همین سال ۹۶۳ واحسن‌التواریخ روملو ۱۲: ۳۹۸ وعالم‌آرا ۱: ۱۴۴، ومقدمهٔ رسالهٔ اسدیه که به‌نام اونوشته



گشته، بعضی از ایشان نقیب و متولی آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین‌اند و بعضی در قزوین محتسب‌اند»[۱۵۱] و در اسدیه نیز آمده است: «سادات مرعشیهٔ دارالموحدین قزوین که بعضی از ایشان نقیب و متولی آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین قزوین‌اند و برخی در قزوین محتسب‌اند ازاین قبیله، و ازقدیم به‌مذهب حق‌اثنی‌عشر عمل نموده‌اند»[۱۵۲] و درسراج الانساب‌هم هست‌که: «سادات‌مرعشیهٔ قزوین بعضی‌ازایشان نقیب ومتولی آستانهٔ شاهزاده حسین‌اند».[۱۵۳]

شاه اسماعیل‌صفوی قاضی‌ضیاءالدین نورالله مرعشی‌قزوینی را به‌رسالت نزد شیبک‌خان ازبك فرستاد.[۱۵۴] این شخص گویا همان نورالله‌بن علاءالدین حسینی مرعشی است‌که نام و سجل او در وقف‌نامه‌ای مربوط به‌آستانهٔ شاهزاده حسین مورخ ۹۴۳ دیده می‌شود[۱۵۵] و بدون تردید جز نورالله‌بن محمد شاه بن مبارزالدین مانده حسینی‌مرعشی دانشمند وعارف، شاگرد سید محمد نوربخش و شمس‌الدین محمد لاهیجی شارح‌گلشن راز وقوام‌الدین کربالی،

شده ومجالس‌المؤمنین وفردوس درتاریخ شوشتر :۲۱-۲۲ واعیان‌الشیعه ۱۲ : ۱۴۵ وریحانةالادب ٤ : ۱۰ چاپ اول ومصادری که درفرهنگ سخنوران: ٥٦٤ (ذیل تخلص‌ملولی) نام برده شده‌است وجزاینها دیده می‌شود، نیزجهان‌آراء : ۲۹۲ و ۳۰۳ .

۱۵۱ـ مجالس المؤمنین ۱ : ۱٤۸-۱٤۹ چاپ تهران.

۱۵۲ـ اسدیه، میرسراج‌الدین محمد قاسم مختاری عبیدلی سبزواری: ۹۷.

۱۵۳ـ سراج‌الانساب، برگ ۷۰رنسخهٔ شمارهٔ۳۵۳۲کتابخانهٔ ملك‌تهران.

۱۵٤ـ روضةالصفویه‌میرزابیك منشی‌حسینی‌گنابادی، به‌نقل‌ریاض‌العلماء، مجلد ٥ شیعه، حرف نون (نورالله‌بن‌محمدشاه..). جهان آراء، قاضی احمدغفاری قزوینی : ۲۷۳ .

۱۵۵ـ سند شمارهٔ ۹ این مجموعه .

درگذشتهٔ ۹۲۵ و نگارندهٔ آثار متعدد در تفسیر و عرفان و هیأت و اسطرلاب[۱۵۶] است که در هنگام فتح شوشتر به‌دست شاه اسماعیل سالخورده و ناتوان بوده و توانایی حضور در مراسم استقبال او را نداشته است[۱۵۷] هرچند در مقدمهٔ احقاق‌الحق[۱۵۸] بلکه در ریاض العلماء[۱۵۹] نیز آن دو را یکی پنداشته‌اند.

در بخش اول گذشت که شاه طهماسب درنظر داشت سیدزین العابدین مرعشی متولی آستانهٔ شاهزاده حسین را به‌ایلچی‌گری به دربار عثمانی بفرستد[۱۶۰] و شاه عباس نیز درویش‌بیك از سادات مرعشی قزوین را درسال ۱۰۲۰ به‌رسالت به‌همان‌جانب[۱۶۱] و در ۱۰۲۳ نزد نظام شاه به‌دکن[۱۶۲] فرستاد.

***

اکنون نام افرادی که از این خاندان از آغاز دورهٔ صفوی تا روزگار ما تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین را عهده‌داری نموده‌اند براساس اسنادی که در این بخش آمده است، باتوجه به‌نکته‌ای که درباب اشتراکی بودن امر تولیت مزار پیش ازاین گفته شد:

۱) سید زین‌العابدین مرعشی. در تذکرهٔ شاه طهماسب ذیل

۱۵۶ـ مجالس‌المؤمنین قاضی نورالله شوشتری نواده‌اش/فردوس علاءالملك حسینی شوشتری : ۱۶ـ۲۱/ریاض‌العلماء ، مجلد ۵ شیعه ، حرف نون/ ذریعه ۱۳: ۳۰۹/منزوی ۱ : ۲۳۰ـ۲۳۱ .

۱۵۷ـ فردوس : ۱۸ :

۱۵۸ـ صفحهٔ ۱۰۹ .

۱۵۹ـ مجلد ۵ شیعه ، حرف نون، عنوان نورالله بن محمدشاه .

۱۶۰ـ تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳.

۱۶۱ـ عالم‌آرا ۲ : ۸۴۹ .

۱۶۲ـ همان مأخذ ۲: ۸۶۶ و۹۵۱ .

وقایع سال ۹۳۲ پس از ذکر یکی از سادات مرعشی‌که در این‌سال رتبه ولقب‌خانی‌گرفته ودر ع ۲ـ۹۳۸ درگذشته بود[۱۶۳] می‌نویسد: «سید زین‌العابدین مرد متقی و عالم است. تولیت امام‌زادهٔ واجب التعظیم والتکریم امام‌زاده حسین بن‌سلطان علی‌بن موسی‌الرضاعلیه السلام با نقیب‌الاشرافی به او ارزانی داشتیم والحال ارادهٔ آن‌است که چون‌مردی‌عالم ودینداراست به‌ایلچی‌گری نزدحضرت‌خواندگار به‌استنبول روانه نمائیم».[۱۶۴]

دوفرمان مورخ ۹۳۵[۱۶۵] و شعبان ۹۳۷[۱۶۶] از شاه طهماسب در واگذاردن‌منصب تولیت‌آستانه به‌اودردست‌داریم. ازفرمانی‌مورخ۲۸ رجب ۹٤٤ ازهمان پادشاه[۱۶۷] برمی‌آیدکه او دراین تاریخ درگذشته بوده است. تولیت موقوفات شاه بیگی‌بیگم براین آستانه طی حکم مورخ ۱۸ ع ۱ـ۹۳۸ ازهمو[۱۶۸] به‌همین سید وسپس فرزندان او واگذارگردیده بود همچنانکه تولیت وقف مورخ ج۱ـ۹۳۸ شاه طهماسب براین مزار نیز با او و دو تن دیگر از افراد خاندان

۱٦۳ـ میرشاهی‌بن‌عبدالکریم‌بن عبدالله مرعشی نبیرهٔ میرقوام‌الدین میر بزرگ‌مرعشی‌درگذشتهٔ ۷۳۱ومدفون درآمل‌مازندران (تذکرهٔشاه طهماسب:۱۳). درذیل عبارت ازمشارکت میرعبدالله وسیدزین‌العابدین بامیرمراد سخن‌می‌رود» آن‌گاه آمده است : «.. برادرش سید زین‌العابدین مرد متقی عالم است» لیکن‌این سیدزین‌العابدین نباید برادر آن امیرشاهی باشد چه‌این یکی از مرعشیان قزوین است. گمان می‌رودکه ضمیر درکلمهٔ «برادرش» به‌همین میرمراد مذکور اخیر باز گردد .

۱٦٤ـ تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳ چاپ برلین .

۱٦۵ـ سند شمارهٔ ۵ ، همین بحث .

۱٦٦ـ سند شمارهٔ ٦ .

۱٦۷ـ سند شمارهٔ ۱۰ .

۱٦۸ـ سند شمارهٔ ۷ .

می بود.[۱۶۹] دراین دوسند اخیر از وی بالقب «امیرمجاهدالدین» یاد می‌شود.

۲) سیدشمس‌الدین اسدالله حسینی مرعشی‌که فرزندان او و سید زین‌العابدین در سنین بعد متولی مزار بوده‌اند.[۱۷۰] بنابراین خود او نیز به‌حسب قاعده در روزگار زندگی جزء متولیان آنجا بوده است.

۳) میرسرهنگان مرعشی از متولیان آستانه بنابر فرمانی مورخ ۹۳۵ از طهماسب.[۱۷۱]

٤) سید کمال‌الدین عبدالقادر گویا پدر میرعلاءالملك بن عبدالقادر مرعشی که پس از این جزء متولیان آستانه بوده است. از این‌میرعبدالقادر دوم درمقدمهٔ احقاق‌الحق نیز[۱۷۲] یادشده است. سیدکمال‌الدین‌عبدالقادردرحکم‌مورخ ۱۸ع۱ــ۹۳۸ شاه‌بیگی‌بیگم[۱۷۳] و وقفیهٔ مورخ ج۱ــ۹۳۸ شاه طهماسب[۱۷۴] جزء متولیان آستانه یاد شده و متولی وقف شاهی مزبور نیز بوده است.

۵) سیدصفی‌الدین شکرالله، یاد شده درهمان دو سند و متولی وقف شاهی مزبور. گویا هموست‌که نسب‌نامهٔ وی ذیل عنوان «نسب شریف سادات عظام مرعشیه قزوین ــ السید صفی‌الدین شکرالله الشهیر به میربزرگ‌ابن زین‌العابدین بن‌شکرالله بن‌عبدالقادر بن

۱۶۹ــ سند شمارهٔ ۸ .
۱۷۰ــ اسناد شمارهٔ ۹ و ۱۰ .
۱۷۱ــ سند شمارهٔ ٤ .
۱۷۲ــ صفحهٔ ۱٤۰ .
۱۷۳ــ سند شمارهٔ ۷ .
۱۷٤ــ سند شمارهٔ ۸.

منصوربن فغفورمعین‌الدین[۱۷۵] بن‌محمد..» در سراج‌الانساب کیا گیلانی هست.[۱۷۶]

۶) سید وجیه‌الدین محب‌الله مشهور به میرسوار.

۷) سید نصرالدین عبدالجبار.

۸) سید شرف‌الدین ابواسحق.

این سه تن فرزندان میرشمس‌الدین اسدالله حسینی مرعشی هستندکه بنابرمفادفرمان مورخ رجب ۹۴۴ازشاه‌طهماسب[۱۷۷]در امر تولیت آستانه مشارکت داشته‌اند و تولیت وقف مورخ ۱۲ محرم ۹۴۳ شاه بیگی‌بیگم[۱۷۸] نیز با آنان بوده‌است.

۹) میر علاءالملك مرعشی متولی شرعی مزار شاهزاده حسین و موقوفات آن براساس فرمانی مورخ رجب ۹۴۴ ازشاه‌طهماسب[۱۷۹] که در تأیید همین تولیت است. او چنان که پیش‌تر گذشت باید فرزند همان سیدکمال‌الدین عبدالقادر متولی پیشین آستانهٔ مزبور باشد که در برخی اسناد دیگر از او یاد شده بود.

این سید همان میرعلاءالملك مرعشی از افاضل مراعشهٔ قزوین[۱۸۰] است‌که درکتاب‌های تاریخ دورهٔ صفوی جزء مشاهیر سادات دربار طهماسب یاد شده و ازفضلاء آن‌عصر بوده[۱۸۱]ومدت‌ها

۱۷۵ـ دراصل به‌شکل «فغفوربن معین»که‌گویا محرف بوده ودرست همین صورت است که‌نوشته شد (پایان مقدمهٔ این بخش دیده شود).

۱۷۶ـ برگ ۷۷/نسخهٔ شمارهٔ ۳۵۳۳ کتابخانهٔ ملك .

۱۷۷ـ سند شمارهٔ ۱۰ .

۱۷۸ـ سند شمارهٔ ۹ .

۱۷۹ـ سند شمارهٔ ۱۰ .

۱۸۰ـ مجالس‌المؤمنین ۱: ۱۴۹ .

۱۸۱ـ همان مأخذ وهمان جا/ عالم‌آرا ۱ : ۱۴۶/مقدمهٔ احقاق‌الحق ۱ : ۱۱۰ و ۱۴۰ .

به مشارکت خواجه افضل ترکه قاضی‌عسکر بوده[۱۸۲] و در سال ۹۷۷ از این منصب برکنار شده[۱۸۳] و مدتی صدارت گیلان داشت[۱۸۴] و در ۹۹۰ درگذشت ودر جوار آستانهٔ شاهزاده حسین به خاك رفت. قاضی احمد قمی در خلاصة‌التواریخ ضمن وقایع این سال می‌نویسد: «روز جمعه ۱۸ع ۲ـ۹۹۰ مرحومی میرعلاءالملك مرعشی که از افاضل سادات مرعشی قزوین بود به عالم بقاء رحلت کرد. مشارالیه بعد از قضاء عسکر و صدارت گیلان چند مدت در مشهد مقدس به‌سر برد و در ایام سلطنت شاه اسماعیل (دوم) به قزوین آمده، به‌واسطهٔ تقربی‌که باسلطان‌حیدر میرزا داشت رعایت نیافت و درایام دولت و سلطنت شاه کامیاب به مبلغ بیست تومان نقد و جنس سیورغال سرافراز شد... فوت شد و به اعزاز واحترام درتحت قبهٔ سامیهٔ امامزاده‌حسین علیه‌وابیه‌السلام والتحیه مدفون شد»[۱۸۵]

در تاریخ عالم‌آرا نیز در بخشی‌که از سادات درگاه طهماسب سخن گفته است دربارهٔ وی می‌نویسد: «میرعلاءالملك ــ از سادات مرعش در دارالسلطنهٔ قزوین و در درگاه معلی بعضی اوقات قاضی معسکر ظفر اثر بود. بعد از فتح گیلان به منصب صدارت آن ولایت بین‌الاقران ممتاز بود. جامع کمالات صوری و معنوی و در علم اصول و رجال سرآمد روزگار خود و محدث خوب بود. به غایت خوش‌صحبت و بذله‌گو و مطبوع‌الطبایع و همیشه در مجلس

۱۸۲ــ عالم‌آرا ۱ : ۱۴٦ و۱۵۵/ مجالس‌المؤمنین ۱ : ۱۴۹/ وقایع‌السنین والاعوام : ٤۸۸ .

۱۸۳ــ خلاصة‌التواریخ : برگ ۲۱٦ عکس ٥٥٦۷ دانشگاه .

۱۸٤ــ عالم‌آرا ۱: ۱٤٦/ خلاصة‌التواریخ: برگ ۲۷۹عکس ٥٥٦۸دانشگاه.

۱۸٥ــ خلاصة‌التواریخ : برگ ۲۷۹ عکس یادشده .

بهشت‌آیین زیاده از دیگران به شرف مکالمه و همزبانی اشراف اختصاص می‌یافت و باکمال تقوی و پرهیزکاری از جمال ظاهر نیز حظ وافر داشت و به هم‌زبانی‌های بی‌تکلفانه و سلیقهٔ طبعی سرورافزای خاطر ارباب ادراك و هم‌صحبتان بود.»[۱۸۶]

درکتاب فردوس درتاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن ـ از آثار قرن یازدهم ـ از زبان «عبدالواحدبن علی شوشتری» از دانشمندان قرن دهم آمده است‌که در اواسط این قرن از اصفهان به قزوین رفتم «و به خانهٔ میرعلاءالملك مرعشی نزول نمودم و او پیش من حاشیهٔ مطالع قرائت می‌نمود وفاضل مدقق ملاابوالحسن کاشی در آن زمان در قزوین بود و میان او و میرعلاءالملك بر سر امری رقابت بود و میرعلاءالملك می‌خواست که رقیب را آزاری کند. لاجرم در روزی‌که خبرگرفته بود که ملاابوالحسن برسر مقبرهٔ شاهزاده علاءالدین حسین که محل اجتماع مردم است به سیر آمده، مرا همراه برداشته به آنجا برد و به اتفاق با ملاابوالحسن ملاقات واقع شد..»[۱۸۷]

از نوشتهٔ عالم‌آرا دانسته شدکه او در «علم رجال سرآمدروزگار بود». مجموعه‌ای خطی به قطع ربعی مشتمل بر سه کتاب دراین علم (خلاصهٔ علامه، رجال ابن‌داود، رجال کشی) نزد جناب آیت‌الله مرعشی نجفی در قم دیده شد به نستعلیق علاءالملك بن‌عبدالقادر حسینی مرعشی در صبح چهارشنبه ۱٤ محرم ۹٦٤ در قزوین (پایان کتاب اول) و پنج‌شنبه ۲۸ رجب ۹٦٤ (پایان کتاب دوم) و

۱۸٦ـ عالم‌آرا ۱ : ۱٤٦ . درنسخهٔ چاپی دراینجا نام وی به صورت «میرعلاءالنبی» آمده‌که محرف همین «علاءالملك» است به‌شهادت نوشتهٔ خوداین مأخذ درصفحهٔ ۱۵۵ .

۱۸۷ـ فردوس ، چاپ انجمن آثارملی : ۵۷

با یادداشتی از او در آغاز کتاب سوم مورخ پنج‌شنبه ٥ شعبان۹٦٤ و دیگری مورخ سه‌شنبه ۱٦ رمضان همان سال در قریهٔ مزینان از توابع سبزوار در هنگامی‌که به جانب مشهد مقدس رضوی(ع) رهسپار بود، با حواشی از خود او بر هر سه کتاب. ازاین نسخه در مقدمهٔ احقاق[۱۸۸] نیز یادگردیده است (دربارهٔ او پس از نگارش این سطور اطلاعاتی دیگر به‌دست آمدکه درپایان مقدمهٔ بخش حاضر دیده می‌شود).

۱۰) سید عبدالمطلب مرعشی، شاید فرزند دیگر همان سید کمال‌الدین عبدالقادر و برادر میرعلاءالملك، که به شهادت همان فرمان مورخ رجب ۹٤٤ شاه طهماسب[۱۸۹] درآن تاریخ جزء متولیان مزار بوده و سند مزبور در تأیید تولیت او و میرعلاءالملك صادرشده است .فرمان مورخ ۹۸۳ طهماسب[۱۹۰] که از درگذشت متولی مزار درآن تاریخ سخن گفته و به دو فرزند او اشاره نموده است گویا مربوط به مرگ همین سید عبدالمطلب باشد. در فرمان مورخ شعبان ۹۹۹ شاه عباس[۱۹۱] از سه تن از فرزندان وی امیر عزالدین‌محمد و امیرمحمدقاسم و امیر فخرالدین‌محمد یاد می‌شود.

۱۱) درویش قنبر.
۱۲) درویش عرب‌قلی.
۱۳) درویش محمد قلی.

۱۸۸ـ صفحهٔ ۱٤۰
۱۸۹ـ سند شمارهٔ ۱۰
۱۹۰ـ سند شمارهٔ ۱۲
۱۹۱ـ سند شمارهٔ ۱٤

یادداشت

بخش اول مقالهٔ بسیار جامع و محققانه و آموزنده مربوط به «آستانهٔ شاهزاده حسین در قزوین» به خامهٔ پژوهندهٔگرامی آقای مدرسی طباطبائی مندرج در شماره مهر و آبان /۱۳۵۷ مجلهٔ گرامی بررسیهای تاریخی بنظر این بنده ازهرجهت درخور ستایش و آفرین آمد، چه دانشمند نامبرده با بررسی و دقت هرچه تمامتر از نزدیك، و درعین‌حال بهره‌گیری از منابع گوناگون فارسی و عربی و هرگونه سند و منبع دیگری که در کتابخانه‌ها و مراکز مختلف ایران و دیگر کشورها سراغ داشته‌اند، اطلاعات بس مفید درباره این زیارتگاه مهم شیعیان گردآوری نموده به اختیار علاقه‌مندان و در معرض استفاده دوستداران چنین مطالبی گذارده‌اند.

طی مقالهٔ مزبور (در صفحه ۱۵۹ مجله) اشاره به محجر چوبی (ضریح) رفته است‌که مورخ به سال ۱۰۳۵ هجری بوده شخصی بنام ابوتراب آنرا وقف نموده و براطراف مرقد مطهر نصب گشته است.[۱]

مناسب میداند توضیح دهدکه در حدود بیست سال پیش ضریح تازه‌ای همانند ضریح‌های سیمین زیارتگاههای معتبر دیگر برای بقعه شاهزاده حسین (ع) تهیه و بجای ضریح چوبی نصب گردیده بود و بهمین جهت ضریح قدیمی را از محل خود برداشته بصورت قطعات جداگانه در کناری نهاده بودند و اگر فکری برای آن نمی‌شد طبعاً بتدریج این اثر تاریخی ازمیان میرفت لذا از طرف انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۳ خورشیدی، با موافقت سازمان اوقاف و هیأت امناء آستانهٔ متبرك، ضریح مورد ذکر خریداری و به نیشابور حمل گردید و در اردی‌بهشت ماه/ ۱۳۴۵ خورشیدی درون حرم وسیع امامزاده محمد محروق در اطراف صندوق بزرگ منبت‌کاری

۱ـ بالای در ورودی ضریح این دوبیتی بخط نستعلیق مرقوم رفته است :

از بـرای دوام دولت شاه — عقل مفتاح این ثواب شده

هاتفی گفت بهـر تاریخش — بانی این‌ابوترابشده (۱۰۳۵)

آن که ازآثار نفیس دوران شاه طهماسب اول صفوی و مربوط به قرن دهم هجری است و حایل و حفاظی نداشت نصب گشت و بدین ترتیب این هردو اثر مذهبی و ملی و هنری و تاریخی در جایگاه مناسب بصورت شایسته نگهداری شد.

ضمن همان مقاله (صفحه ١٦٦ مجله) اشاره به سردر شمالی آستانه وکاشیکاری‌ها و ستونهای آن ومناره‌های‌کوچك بالای‌ستونها رفته بود.

سردر مورد ذکر از نمونه‌های زیبای دروازه‌های ورودی دوران قاجاریه است‌که‌خوشبختانه ازآسیب زمانه به‌دور مانده روشنی‌بخش دیده و دل زائران و شیفتگان اینگونه آثار هنری است. بر بالای بدنه‌های بین ستونهای دوطرف سردر دوبیتی نغز و شیوای زیر بخط نستعلیق برکاشی‌سفید روی زمینه‌لاجوردی نگاشته شده‌است:

بالای بدنهٔ سمت راست جانب غربی دروازه:

اختران پرتو انوار دل انور ما　　دل ما مظهر کل، کل همگی‌مظهر ما

بالای بدنهٔ سمت چپ برجانب شرقی دروازه:

نه‌همین روی زمین راهمه‌باب‌اللهیم

نه فلك در دورانند به دور سر ما

در منبت ورودی به حرم مطهر ازجانب رواق شمالی علاوه بر جنبه هنری خاص ازلحاظ اندازه و بزرگی هم اثر نفیس منحصر بفردی از زمان شاه طهماسب اول بشمار میرود و تاریخ آن درضمن توصیف در و کتیبه‌های آن (صفحه ١٦٩ مجله) درست ذکر شده (شهر رمضان‌المبارك سنه سبع و ستین وتسعماء) ولی درجای دیگر (صفحه ١٥١ مجله) براثر اشتباه چاپی ٨٦٧ (بجای ٩٦٧) مرقوم رفته‌است‌که یقیناً خوانندگان محترم‌وعلاقه‌مند توجه‌بآن‌فرموده‌اند.

طبق اظهار نویسندهٔ محترم مقاله عکسهائی نیز همراه مقاله بوده که تهیه تعدادی از آنها بویژه عکس‌های مربوط به صندوق بسیار نفیس مرقد مطهر به دشواری هرچه تمامتر صورت گرفته است‌که امید و انتظار درج آنها هم دربخش‌های بعدی مقاله میرود.

سید محمدتقی مصطفوی

این‌سه‌تن به‌شهادت فرمانی‌ازشاه‌عباس‌مورخ‌رجب ۱۰۰۰ [۱۹۲] درآن هنگام متولی آستانه بوده‌اند.

ازظاهر این سه نام چنین برمی‌آیدکه آنان ازسلسلهٔ سادات نبوده وبه‌عادت معهودآن دوره به‌عنوان متولی تفویضی عهده‌دار خدمت سرپرستی آستانه‌بوده‌اند. احتمال‌می‌توان‌دادکه به‌علت عدم تصدی هیچ یك ازافراد سلسلهٔ متولیان قدیمی ، این‌سه تن‌که‌شاید خدمتگزاران آستانه بوده‌اند [۱۹۳] سرپرست‌آن به‌شمار می‌رفته‌اند. لیکن باید توجه داشت‌که القابی ازقبیل‌بیك‌وخان ودرویش ونظایر آن درآن عصر ــ آن‌چنان‌که در دوره‌های بعد رایج‌گردید ــ منحصر به‌غیرسادات نبود. درتذکرهٔ شاه طهماسب‌هست که‌یکی ازسادات مرعشی مازندران درسال ۹۳۲ ازجانب اوبه‌لقب خانی ملقب گردید [۱۹۴] واطلاق این‌لقب برافرادی ازسادات درآن عهد و همچنین در دورهٔ قاجار بسیاردیده می‌شود [۱۹۵]. نام درویش‌بیك از سادات مرعشی قزوین‌که در سال‌های ۱۰۲۰ و ۱۰۲۳ به‌رسالت به‌روم ودکن‌فرستاده شدودرمورد اخیرفرزندش «محمدی‌بیك» پس ازمرك پدرعهده‌دارآن خدمت‌گردید پیش‌ازاین‌گذشت . بنابراین، این سه‌تن می‌توانند ازهمین خاندان باشند.

۱٤) میرعبدالقادر مرعشی نوادهٔ میرعبدالمطلب (گویافرزند

۱۹۲ــ سند شمارهٔ ۱۵

۱۹۳ــ درسند شمارهٔ ۱۷ مربوط به سال ۱۰۱٦ ازدرویش کفشدار آستانه یادشده است .

۱۹٤ــ تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳

۱۹۵ــ یك نمونهٔ مشهور آن سید علیخان شوشتری حویزی دانشمند مشهور دورهٔ صفوی ، وشارح صحیفهٔ سجادیه وصمدیهٔ نحو ، و نگارندهٔ سلافةالعصر والدرجات الرفیعه وجزاینهاست . نیز نجف‌خان صدر شاه سلیمان که از سادات حسینی است و غیراینان .

میرفخرالدین محمدفرزنداو) که درسال۱۰۵۲ متولی آستانه بود [۱۹۶]

۱۵) میرمحمدنصیرفرزند میرعبدالقادر مرعشی متولی آستانه درسال ۱۰۹٤ [۱۹۷] . فرمانی مورخ صفر۱۱۰۳ ازشاه سلیمان درواگذاردن تولیت آستانهٔ شاهزاده‌حسین به‌وی دردست است که در اسناد آینده می‌بینیم [۱۹۸]

۱٦) میرفخرالدین محمدفرزند دیگر میرعبدالقادر مرعشی که درسال ۱۰۹٤ بابرادر مذکورخود متولی آستانه بوده [۱۹۹] و در پیرامون سال۱۱٥٤ درگذشته است [۲۰۰]

۱۷) میرعبدالقادر مرعشی فرزند میرمحمد نصیر فرزند میرعبدالقادر [۲۰۱] ازمتولیان آستانه درسال ۱۱۳۰ [۲۰۲]

۱۸) میرمحمدقاسم فرزندیگر میرمحمد نصیر مزبور [۲۰۳] ازمتولیان مزار درآن سال‌ها [۲۰۴]

۱۹) میرعبدالعظیم فرزند دیگر میرمحمد نصیر [۲۰۵] از متولیان آستانه درسال ۱۱۲٥ [۲۰۶] ، قبض اومورخ ۲ ع۱ـ۱۱٤۱ باعنوان متولی‌مزاردرپشت فرمان شمارهٔ ۳۱ این‌مجموعه هست ودو محضرنیز درباب انحصار تولیت به‌وی دردست داریم [۲۰۷] آخرین سندی‌که درتفویض تولیت بدو ــ باذکرنام به‌صراحت ــ دردست است مورخ ۱۱٦٤ است [۲۰۸].

۱۹٦ـ اسناد شمارهٔ ۲۱ و ۲٤
۱۹۷ـ سند شمارهٔ ۲٤
۱۹۸ـ سند شمارهٔ ۲٥
۱۹۹ـ سند شمارهٔ ۲٤
۲۰۰ـ سند شمارهٔ ۳٤
۲۰۱ـ سند شمارهٔ ۳۰
۲۰۲ـ سند شمارهٔ ۲۹
۲۰۳ـ سند شمارهٔ ۳۰
۲۰٤ـ سند شمارهٔ ۳۰ ایضاً .
۲۰٥ـ همان سند .
۲۰٦ـ سند شمارهٔ ۲۸
۲۰۷ـ دو سند شمارهٔ ۳۲ و ۳۳
۲۰۸ـ سند شمارهٔ ٤۳ ، اسناد شمارهٔ ۳٤ تا ٤۳ همگی مربوط به‌اوست.

۲۰) میرمحمدابراهیم فرزندمیرعبدالعظیم، متولی آستانه پس‌ازپدر خود[۲۰۹]

۲۱) میرمحمدنصیر مشهور به‌آقامیرزایی[۲۱۰] فرزند دیگر میرعبدالعظیم مزبور[۲۱۱]. نقیب سادات‌قزوین در۱۱۶۳ بافرمانی ازشاه سلیمان ثانی[۲۱۲]، متولی آستانه در۱۱۹۱[۲۱۳] ودر گذشتهٔ پیش‌از سال ۱۲۱۲[۲۱۴]

۲۲) میرعبدالعظیم نوادهٔ میرعبدالعظیم پیشین ــ مذکور در شمارهٔ ۱۹ ــ (گویا فرزند میرمحمد ابراهیم فرزند او) مشهوربه آقامیر[۲۱۵]، متولی‌آستانه در۱۲۰۷[۲۱۶].

۲۳) میرابراهیم مرعشی نوادهٔ دیگرمیرعبدالعظیم مزبور، مشهور به‌آقا، که در رجب ۱۲۱۰ درامورآستانه مداخله داشته[۲۱۷] واز ۱۲۱۲ تاپس ازسال۱۲۳۹ متولی‌آستانه بوده وپیش‌از ۱۲۵۰ درگذشته است[۲۱۸]

۲۴) سیداحمد مرعشی متولی‌آستانه در۱۲۱۸[۲۱۹].

۲۵) میرزا موسی فرزند میرعبدالعظیم آقامیر، متولی‌آستانه

۲۰۹ــ اسناد شمارهٔ ٦٥ تا ٦٧
۲۱۰ــ سند شمارهٔ ٤٥
۲۱۱ــ همان سند پیش واسناد شمارهٔ ٦٥ــ٦٧
۲۱۲ــ سند شمارهٔ ٤١
۲۱۳ــ اسناد شمارهٔ ٤٥ و ٤٦
۲۱٤ــ سند شمارهٔ ٥١
۲۱٥ــ اسناد شمارهٔ ٤٩ و ٦٣
۲۱٦ــ سند شمارهٔ ٤٨
۲۱۷ــ سند شمارهٔ ٥٠
۲۱۸ــ اسناد شمارهٔ ٥٤ــ٧٥
۲۱۹ــ سند شمارهٔ ٥٨

در ۱۲۳۰ و پس‌ازآن[۲۲۰]. او داماد میرابراهیم مرعشی یاد شده پیش (شماره ۲۳) بود .[۲۲۱]

۲۶) سیداحمد فرزند میرابراهیم مرعشی‌مزبور، متولی‌آستانه پس از پدرخودکه پیش از ۱۲۵۰ درگذشته بود تاپس‌ازسال ۱۲۹۰[۲۲۲] درگذشته پیش از ۱۲۹۶[۲۲۳]

۲۷) سید حسن فرزند سیداحمد مزبور، متولی‌آستانه پس از پدر خود تاپیرامون سال ۱۳۱۵که درگذشته است[۲۲۴] .

۲۸) حاجی‌سید حسین فرزند دیگرسیداحمدمزبور، شریك برادر خود درامرتولیت[۲۲۵] . درگذشته ع۱ـ۱۳۱۷.

۲۹) سیدعلی مرعشی فرزندآقا سیدحسن مزبور(شمارهٔ ۲۷) که پس از درگذشت پدر بـه مشارکت بـاعم خویش حاجی سید حسین[۲۲۶] و از سال ۱۳۱۷ مستقـلا[۲۲۷] تولیت‌آستانه‌راعهده‌دار بوده ودر۱۳۶۳ قمری درگذشته است[۲۲۸].

۳۰) سیدابراهیم مرعشی فرزنددیگرسیدحسن مزبورکه‌پس از برادر به‌امور آستانه می‌پرداخته است[۲۲۹] .

ازسیدعلی مرعشی فرزندی بانام سیدحسن، واز سید ابراهیم فرزندی بانام سیدحسین باقی مانده‌که هردواکنون ازاعضاء هیات پنج نفری امناء آستانهٔ مقدس می‌باشند .

۲۲۰ـ اسناد شمارهٔ ۶۴ـ۶۷

۲۲۱ـ سند شمارهٔ ۶۴

۲۲۲ـ اسناد شمارهٔ ۷۶ـ۱۱۴

۲۲۳ـ سند شمارهٔ ۱۱۷

۲۲۴ـ اسناد شمارهٔ ۱۱۷ـ۱۳۹

۲۲۵ـ اسناد شمارهٔ ۱۲۶ و ۱۲۸ و ۱۳۷ و ۱۳۹

۲۲۶ـ اسناد شمارهٔ ۱۳۹ـ۱۴۱

۲۲۷ـ اسناد شمارهٔ ۱۴۲ به‌بعد .

۲۲۸ـ درمینودر: ۶۶۵نیز ازاویادشده‌است.

۲۲۹ـ مقدمهٔ احقاق الحق : ۱۴۰ .